

داکتر عبدالرحمن زمانی

نهمین سالگرد وفات محمد هاشم زمانی شاعر آزاده و ملی کشور



شادروان محمد هاشم زمانی
(۱۳۰۷-۱۳۸۴ هجری شمسی / ۱۹۲۸-۲۰۰۵ میلادی)

بیستم ماه جوزای امسال (مطابق با دهم جون) مصادف است با نهمین سالگرد وفات محمد هاشم زمانی شاعر، نویسنده و شخصیت مبارز و ملی کشور.

محمد هاشم زمانی در سال ۱۳۰۷ هجری شمسی مطابق ۱۹۲۸ میلادی در کنر افغانستان دیده بدنیا کشود. پدرش غازی میرزمان خان کنری، سر لشکر و فاتح جبهه چهارم جنگ استقلال افغانستان و یکی از نزیکترین دوستان و حامیان اعلیحضرت غازی امان الله خان بود. هنوز شش ماه از تولد زمانی نگذشته بود که پدرش را در یک توطئه استعمار انگلیس و عمال داخلی شان که برای سرنگونی دولت امانی چیده شده بود، از دست داد.

محمد هاشم زمانی تعلیمات ابتدائی اش را در خانه و مسجد از علمای وقت حاصل نموده و هنوز پا به سن ۱۶ سالگی نگذاشته بود که در سال ۱۳۲۴ شمسی از طرف رژیم وقت با بیش از یکصد نفر از اعضای خانواده اش، چون زندانیان سیاسی دیگر، بدون کدام جرم و محاکمه، به انتظار یک سرنوشت نامعلوم به زندان جهنمی دهمزنگ فرستاده شد.

محمد هاشم ۱۳ سال از ایام نوجوانی اش را همراه با اعضای خانواده اش در سلولهای تاریک و نمناک زندان دهمزنگ سپری

نموده و در همانجا بود که با تعدادی از زندانیان سیاسی دیگر چون خانواده مرحوم غلام نبی خان چرخي، یعقوب خان غوندي مشر، سرحدار عبدالغفار خان، سرور جويا، داکتر محمودی، خانواده ناظر- صفر، فرقه مشر غلام نبی خان (مشهور به چپه شاخ) و شخصیت های دیگر معرفی و هم صحبت شد. او در زندان به آموختن علوم مروجه پرداخت و افتخار شاگردی و هم صحبتی مشروطه خواه و شخصیت ملی و سیاسی، بابا عبدالعزیز الکوزی، و علمای دینی دیگر چون شیخ بهلول ایرانی و مولانا محمد اکرم کاکاخیل نصیبش گشت .

زمانی که در زندان به اثر امراض گوناگون و سوء تغذی شاهد مرگ بیش از ۲۸ تن از اعضای خانواده اش بود، اولین اشعارش را در زندان سرود، مجموعه این سروده ها بعداً در کتاب « زندانی احساس » جمع آوری شده و به چاپ رسید.

خنخیر د ظلم شلیبری مظلومان آزادوي
پدي خنخیر دظلم ظالمان بنديانوي
دظلم خنخیر زنگ شه د ظالم جادو ماتیري
اوس خونه د جادو همدا خواران ویرانوي

زمانی با خانواده اش بعد از سپری نمودن ۱۳ سال حبس سیاسی، به هرات تبعید شده ، و تا سال ۱۳۴۳ هجری شمسی وانفاذ قانون اساسی جدید برای مدت هست سال در تبعید داخلی بسر برد.

اشعار، مضامین و پارچه های ادبی شادروان محمد هاشم زمانی در روزنامه ها، هفته نامه ها و مجلات انوقت وطن مانند انیس، هیواد، اصلاح، ورانگه، سیستان، طلوع افغان، بیدار او اتفاق اسلام بنشر رسیده است .

زمانی در دهه دیموکراسی مصروف مبارزه قلمی بوده، و در لویه جرگه دوره جمهوریت داؤد خان بحیث وکیل کمر اشتراک نمود.

محمد هاشم زمانی در اواخر سال ۱۹۷۹ میلادی به پشاور هجرت نموده و جهاد قلمی اشرا آغاز نمود.

چه افغان سره پښتانه رې چا وهلي
د مرگ خريکه يې د سر نه راختلي
لړځيدلي رپيدلي کړيځيدلي
په کوپي سره د ماغزويي ساختلي

اولین اثر چاپ شده دوران جهاد زمانی « قطبی خرس » به انگلیسی ترجمه شده و بعداً برگردان قسمت های از آن بزبان های فرانسوی، ایتالی و هسپانوی هم بنشر رسید.

زمانی در دوران جهاد ضمن تپ و تلاش برای آزادی کشور عزیز و اشتراک در کنفرانس ها و مجالس بین المللی به کشور های متعدد سفر کردند، و در سال ۱۹۸۷ بعد از یک حمله قلبی به امریکا آمده در شهر هیوآورد، منطقه بسی ایریای سانفرانسیسکو ایالت کالیفورنیا مسکن گزید.

زمانی باوجود حمله دوم قلبی و سکتة مغزی در سال ۱۹۹۰ که منجر به فلج یکطرفه و معیوبیت فزیکتی شد، تا آخرین رمق حیات با حوادث و اوضاع افغانستان در ارتباط ماند و به فعالیت های ادبی و فرهنگی اش ادامه داد.

مشکلاتو کې به ځان خپل امتحان کړم

په همت به هر مشکل ځان ته اسان کړم

په مجمر کې د وطن د مینې خپل به

سپیلنی د نظر دود به یې خپل ځان کړم

شادروان محمد هاشم زمانی همیشه آرزو داشتند که در صورت بهبودی نسبی حالت صحی اش به وطن برگشته و به خدمت مردم رنج دیده و عذاب کشیده اش ادامه دهد.

توره شپه اوږده د جهل سبا کیږي

دپوهنې لـــــــمـــــــر راخیرې رڼا کیږي

چرته غل- غدو بیا ځان شي پتولي

مخ د غل-غدو توریږي رسوا کیږي

آثار چاپ شده شادروان محمد هاشم زمانی عبارتند از زندانی احساس، قطبی خرس، سری خوره بلا، د آزادی مشال، روسی شامار، د آزادی آرمان، خواره گلونه، دسولې زمزمی، زخمی زره، زندانی خاطرات، لویه قربانی (جلد اول)، لویه قربانی (جلد دوم) و پر زندانی خاطراتو تبصری .

شاعر، نویسنده، و شخصیت وطن دوست و مبارز محمد هاشم زمانی شب جمعه دهم ماه جون ۲۰۰۵ به اثر حمله قلبی به عمر ۷۶ سالگی داعیه اجل را لبیک گفته ازین جهان فانی چشم بست، و جنازه مطابق به وصیت شان به افغانستان انتقال و در مسکن آبائی شان کنر بخاک سپرده شد.

زه به یم او یا به نه یم

دا خزان وطن به مې بهارستان شي زه به یم او یا به نه یم

زاغان ځی و رداخل به بلبان شي زه به یم او یا به نه یم

اولسونه شاته نه ، په مخ روان وي
افغان ولس به مخکی هم روان شي زه به يم او يا به نه يم

يادشان گرامی و روان شان شاد باد!